

درین روز هستند و چنانچه بعضی از معارف را نیز
که چند سال بود با ما شنیده بودند درین اوقات

و مردم ازین حکم کمال رضامندی و شکر از دانه
کرمان

قبسات نموده اند

دیکر نوشته اند که در شب یازدهم محرم بازار مسکری
گرفته دار و فیه و غیره حسب حکم اتهام نموده چهار پنج دکان
خراب کردند و کذا استند اسس سرایت بد کاکین دیگر
بکنه و بیشتر از دو باب دکان که یکی چناری و یکی صفیفا

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در استقامت
ان ولایت اتهام دارد ولی سببه خشکالی امسال و سرانجام
سردار ختی و میوجات امامی آنجا بسیار تنگی و عسرت
می گشتند

بود دیکر جانی نسخت و اس را خاموش کرد
دیکر نوشته اند که او فایکه عیال امیرالاعظم سردار
از تبریز روانه دارالخلافه بودند سواره مگر می همراه آنها
روان شدند بعد از آنکه آنها که شسته بودند چند نفر دند و

دیکر نوشته بودند که عالیجاه امام علی خان سرمنگ حساب
سردار درین روزها با فرج بخارج شهر نقل مکان کرده
در تدارک حرکت بهر جهت محموله است

قطاع الطریق خود را ملبس لباس گرمی نموده با شمشیر
ولی به راه آمده و در حوالی قریب میدان بر سر قافله که بگذرد
می آمده اند ریخته یک بار قماش آنها را برده بود سواره
قراسوران بتفحص برآمده روز آنها را برده است و مشکین برده

کم می آید آنچه هست ترقی کلی دارد و بقیت اعلی دادوستد
می شود و همچنین اجناس کولان و غیره نسبت سابق
گشته ترقی دارد و بسیار کم یا است و آنچه نوشته اند
از این قرار است

بودند معلوم شده بود که حسین بیک نام شامسون و کندم
چهارده نفر دیگر از تابین او که آنها نیز از طایفه شامسون
استند بکتاب این کار شده بودند مقرب انخافان قایم مقام
بعد از استحضار احکام متوکل و محصل روانه مشکین کرده اند

یکخوار سه تومان
یکخوار پانزده هزار
یکخوار سه هزار و پانصد
بک من دوریا ل
بک من هفتصد و پنجاه
یکخوار یکتومان
یکخوار پنجاه هزار
بک من پنجاه و پانصد
بک من شش هزار
ریزه یک من دو هزار

که سابقین را حکم گرفته به تبریز میاورند
دیکر نوشته اند که چون اغلب الواط و او با شش تبریز
می بستند و بسیار اوقات شرارت از آنها بطور میرسد
درین اوقات مقرب انخافان قایم مقام حسب حکم
شاهزاده قدغن اید کرده اند که از نوکر و غیر نوکر کسی
بند و بستن قهنگلی در تبریز این روزنامه و کشته است

بک من دوریا ل
بک من هفتصد و پنجاه
یکخوار یکتومان
یکخوار پنجاه هزار
بک من پنجاه و پانصد
بک من شش هزار
ریزه یک من دو هزار

۱۲۵۳

اخبار دول خارجه

فرانسه در روزنامه سابق که از این ولایت نوشته بودند که امپراطور این مملکت بنا داشت که بجهت عید خودش که پانزدهم ماه آو و فرانسه مطابق سنه بیستم ذی قعدة است بیای تحت پاریس بیاید اما موقوف کرده و در شهر میان جشن عید مزبور را با اساس و شکوه و جلال تمام گرفته اند شه مزبور سرحد سپانیول است که در آن اطراف بودند همه با راستگی و لباس فاخر عید انحصور امپراطور که شش کلبه ها و سر باز خانه ها و شهر اچراغان کردند و در پاریس پای تخت فرانسه نیز این عید را با اساس و زینت تمام گرفته بود و اکثر مردمان از شهرتاشای آتش بازی و تفریح کاها که در باغات خارج شهر پاریس حتما اند بیرون رفته بودند و حساب کرده اند که دو بیت هزار نفر در باغات مزبور جمع شده بودند و هم از روز امپراطور و هزار و پانصد و ششاد و دو نفر مقصره فرخص و تقصیرشان را عفو فرمودند و اینها بعضی محبوس و بعضی اخراج بلد و برخی بطور رای دیگر تشبیه داشتند بنا بر پنج چهارم ذی حجه امپراطور پای تخت پاریس مراجعت کرد و لکن روزه امپراطور چند روز در بیاریس که موقوف بود بنای مکتب داشت بجهت اینکه آب و هوای آنجا خصوصاً در تابست در بسیار برنج او فایده کرده است در مرتبه امپراطور پای تخت اگر چه کسی را خبر نگردیده بود و بنا بود که مخفی داخل شهر بشود باز جمعیت زیاد با استقبال بیرون آمده بودند و از هر جا که عبور میکرد مردم شغف و شکر دعا و شای اورا می گفتند و در ششم ماه ذی حجه روانه

۱۲۵۲

شمال فرانسه شده بود که بار دوی سنت عمر برود و بنا بود که پادشاه بگذرد و لیعهد او دوک و ده برانیت بدین امپراطور فرانسه بنیاد از لندن جسم نوشته بودند که پاریس شهر بلون که اول خاک فرانسه است میرفت بدین امپراطور فرانسه و تماشای اردوی مزبور از سمت جنوب فرانسه تا سمت شمال که امپراطور عبور میکرد و در هر حال که کاسک بخار قدری می ایستاد مردم بجهت دریافت خدمت امپراطور جمع میشدند بعد از تمام شدن اردو و کمال شمال مملکت فرانسه بنیاد از لندن سمت جنوب انولاه جمع کنند هم بجهت مشق و رسم بجهت اینکه قشون بخیمه نشین و سایر کارهای سفر عادت میکنند اما چونکه ناخوشی در جنوب ولایت فرانسه بود تا بحال این اردو را خبر کرده تاریخ کاغذ آخر که از پاریس آمده است یازدهم و در آن روزنامه نوشته اند که امپراطور باز در بلون بود و در آن پدرو پادشاه پور تو قال با آنجا آمده بود و از حله فرمایشاتی که بقشون کرده بود این بود که ناپلیان اول یک وقتی گفته بود که قشونی که نتوانند در بیت چهار ساعت جمع بشوند نظشان تمام نیست مملکت اطراف اردو سنت عمر مثلث است و قشون که در آن ولایت است در هر طرف ولایت که لازم بشود در بیت و چهار ساعت جمع میشوند و چونکه سرگردان قشون همه با غیرت و در تمام خدمت میکنند کمال خاطر جمعی ازین قشون دارم که در بنجام ضرورت هر خدمتی که با آنها رجوع بشود بطور خوب با بنجام خواهند رساند

اسپانیول

این مملکت هنوز نظم و درستی نیکو است و در بعضی از شهرها خدمت بدولت میکردند و در بعضی جا بهای دیگر خلق دوتیره شده بودند قدری طرفداری تازیدند و قدری هم حمایت و زرای قدیم را که اخراج شده اند می نمودند قشون نیز دوتیره شده بودند و یک فرج میسب داشتند کل صاحب منصبان خودشان را بگنجه و دونه نیز از صاحب منصبان راکشته بودند حکم شده بود که یک این فرج مقصر را بگنجه بداران چونکه خودشان آمده بود و حرب در این رخسند این حکم را جاری نکردند لکن فرج را کلاً اخراج کردند مگر سه نفر آنها را که بایه این افتاد کرده بود و بگنجه رسیدند نیز اخراج

بگنجه بودند

بلر

در روزنامه این مملکت نوشته اند که کل وزرا در منزل دولت خارج شده و در مشورت نشستند و متفقاً استعفا نموده پادشاه عرض کردند که از شغل خود استعفا نموده و زرای دیگر بجای آنها برقرار شوند پادشاه قبول کرده و قرار گذاشته بود که تا چند وقت دیگر کل کارها را وزارت با آنها باشد تا که آن دیگر بجای آنها مانده

عثمانیه

از قراریکه در روزنامه این مملکت نوشته اند سعید پاشا حکمران مملکت مصر با سهولت خدمت اعلیحضرت سلطان آمده بود و سلطان نسبت به ابراهیم پاشا که در آنجا بود و از جمله القاتها که نسبت به او کرده

بودنشان اقبال و شکر خلاف الماس نشان عنایت کرده بود و این نشانانی است که خود سلطان دارد و بعضی از امناهای دولت عثمانیه وقتی که نشان شمشیر نور را نیز در عهد پاشا آوردند یک فرج از افواج خاصه سلطان با موزیکان در منزل او بودند و بجزمت نشان مرنور موزیکان نواخته و پیش فیک کردند و بتاریخ ۱۷ دی حجه پاشای مرنور بحضور سلطان شرفیاب شده و در خصی حاصل نموده بود که بصره راحت بکند و بعد از آنکه از حضور سلطان مرخص شد کل وزرای دولت عثمانیه بمنزل پاشای مرنور رفته و تا کنار در با او را مشایعت نمودند و از آنجا بکشتی خود که قاصد انجیر میماند سوار شده روانه مصر کردند دیگر در سلاسل توقف کرده بود و از امناهای دولت عثمانیه و ایلیان دول خارجه کسانی که با او رابطه شهنشاهی داشته یکی تعریف و توصیف از داناتی و بزرگی ششی و معقولیت و فطانت و قابلیت او میکردند و اکثر وزراء و امناهای دولت معانی و صیفاً سسنگین بجهت او نموده بودند از جمله شش پادشاه اعظم در عمارت میلاق خود که در یکی کوی دارد معانی سنگین بجهت او کرده بودند همچنین رشید پاشا وزیر دولت خارجه و رضا پاشا وزیر جنگ نیز هر یک معانی با کمال اس نخلف کرده بود

بحث گفتگونی در باب بعضی مطالب ما بین دو تن عثمانیه و استریه شده بود از آنجهت چند نفر و کلاً از طرفین معین کردند که این گفتگو را تمام نمایند و از طرف دولت عثمانیه علی غالب پاشا پسر رشید پاشا و نافی افندی و زصابیک وکیل شد و از قراریکه نوشته اند کل کارها را

۱۲۵۵

که در آنکه تاریخ گفتگوی طرفین بشود
 عهد قربان را درین سال در اسلامبول با کمال اساس گرفته اند
 اعلیحضرت سلطان در عمارت توپ قاپی بود و با کمال
 سلطت خود را رسیده از باب تکاپون بیرون آمده
 عزیمت مسجد سلطان احمد نمود کل وزرا و اممای دولت
 سعید پاشای سردرگاب سلطان بودند و از هر جا
 که سلطان عبور میکرد افواج خاصه در دو طرف کوهها
 و وصف کشیده بودند بعد از آنکه بمسجد سلطان احمد رفته
 مراجعت بعمارت توپ قاپی کرده در روی تخت قرا
 و بار سلام عام داده چنانچه قاعده آن دولت است تا
 چهار روز در قمرخانه و کل منارل اهل در ب غایبته
 و از شغل و خدمات خود معاف و مرخص بودند
 از خط ابرار نوشته اند که حاصل از هر قسم خواه از غله
 و خواه از میوه و هر نوع حیوانات امسال فراوان آمده است
 بطوریکه کسی یاد ندارد که تا بحال این قسم حاصل فراوان
 در آن ولایت آمده باشد
 از فرار روزنامه که از اسلامبول بتاریخ دو از دهم
 آمده و قیمت غله را در آنجا نوشته بودند از این قرار بود
 گندم سفید اناتولی هر کبیله سی و پنج قروش تاسی و نه قروش
 گندم سفید روم ایلی هر کبیله سی و شش قروش تاسی و نه قروش
 گندم سفید اسمعیلی پنجاه و یک قروش
 گندم نرم روم ایلی سی و هفت قروش تا چهل و یک قروش
 زرت قلاتش بیست و دو قروش تا بیست و سه قروش
 زرت ابرانیل بیست قروش تا بیست و یک قروش

۱۲۵۶

زرت روم ایلی بیست قروش
 زرت اناتولی بیچده قروش تا بیست قروش
 جو روم ایلی هفده قروش و نیم تا نوزده قروش
 و کینه اسلامبول چهل حقه میباشد در کبیله چهل قروش
 حقه یک قروش که عبارت از چهار شاهی باشد و
 دو حقه و نیم یک من بوزن تبریز است که بدو شاهی پول
 ولایت فروخته میشود
 از جزیره سبیلین نوشته اند که موسی پرنات سومترجم
 قونسلگری فرانسه در آن جزیره نوشته سی سال داشت
 و چونکه در اوقات توقف در آنجا کمال خوش رفتاری
 با امانی آنجا کرده بود یکی از وفات او بسیار تاسف
 و بعد از فوتش معلوم شده بود که دولت هزار فرانک
 که تخمیناً بیست هزار تومان پول این ولایت باشد مال دارد
 و ملک اموال خود را وقف کرده است که در جزیره سبیلین
 چهار خانه بجهت فقرا بسازند
 در مقامی که کمال افندی از جانب اعلیحضرت سلطان
 برلین پای تخت دولت پروسیه شده بود در شهر
 وینه که بود وزیر دولت خارجه استریتیه همانی سنگین
 وزیر مختار مرنور نموده بود و در آن همانی ایلیچی کبیرا
 فرانسه و پروسیه و عارف افندی ایلیچی کبیر دولت عثمانیه
 مقیم و بینه حضور داشتند

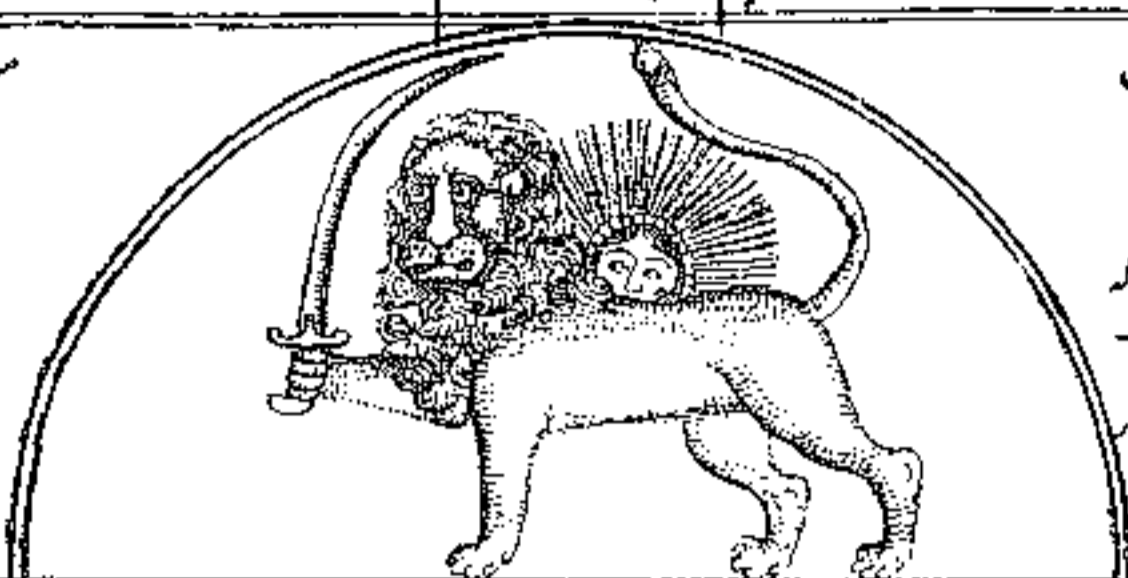
روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه دهم صفر المظفر مطابق با اسفند ۱۲۷۱

نزد صد و پنجاه

قیمت روزنامه

یک نسخه پانزده

ه تان و چهار هزار



منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار سطر یک روز

بیست و پنج خط

اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه شب ششم این ماه که روز عید بود اعلیحضرت پادشاهی بود در شب آن اسباب چراغانی و آتش بازی بجزو مبارک فراهم آورده و در روز مزبور تخت مرمر بزرگ را بجهت وجود فایض ایچو: هایون آرایش و ایود: عیون: هوی شوکت پادشاهی انقضاء سلام عام را چنانچه در اعیان و رسم است در دیوانخانه بزرگ پادشاهی یادداشت نمودند و در آن شب و منقربان حضرت کردون بسط استند و خوانین و صاحب منصبان نظام و عموم اهل سلام هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب حضور مبارک گردیدند و اجرا شلیک توپ و زینت بزرگ بفرار هموار شده و اهل سلام از زیارت وجود فایض ایچو بهره باب گردید و خطبه بلین بنام هایون ادا شده و عابجه شمس الشرایز قصیده غزالی که بجهت تبریک عید مولود هایون نظم نموده بود در مدح و مدح شیکاه شوکت و سنگاه شاهنشاهی و اثرات اعلیحضرت اقدس پادشاهی انشاء مبارک در روز مولود سلطانین و تمجید لوانم عید گرفتند و در آن روز را بجزو عید شمسین فرمودند و فرمایند:

ملوکانه مشتمل بر کمال محبت و عطوفت نسبت بتامی اهل مملکت از سپاهی و رعیت او فرمودند و بر مراتب امیدوار کنی چاکران حضرت هایون باین نوع لطافت شاهان فرمودند بعد از انقضای سلام عام دیوانخانه بزرگ چون جمعیت از اهل دارالخلافه جمع شده و اسباب تماشای عید کرده بودند اعلیحضرت پادشاهی بهمارت سر در صوب دیوان مبارک که مشرف به میدان ارک است تشریف فرما گردیدند و باریات حاجت و غیره بفرستادند ملوکانه میزدول فرمودند

در روز سه شنبه در ایام اعلیحضرت پادشاهی عید شکار و تفریح سمیت یافت ایاد را فرموده تا حوالی عصر حاجت آن ساعات مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب مبارک مبارک سلطانی مراجعت فرمودند

چون مقرب اسحاق خان میرنجه اتهامات خود را در انجام خدمات مر جو عید بجزو خاصه در تقریر داری در دارالخلافه که از جانب نواب مستطاب امیر نظام برپا نموده میشود را یکی از کس هایون و انشاهی دولت علیه رسانیدند

۱۲۵۷

نموده که جمیع پهلای خارج شهر را که معابر عامه مردم است
در نهایت استحکام ساخته و تمسیر نمایند اغلده آنها درین
روزها با تمام رسیده است و با آجر و سنگ در محال استحکام
ساخته شده و ما بقی نیز قریب با تمام و انجام است

درین اوقات خبر رسیده بود که جمعی از اشرار و قطاع
بختیاری بجهت سرفش و دست اندازی بجوالی کرده اند
امده اند عالیجاه چراغعلینخان نایب الحکومه اصفهان
استحضار فرمایید و پنجاه نفر از تفکیکی سوریچی و سواره
فرستاده بود که مراقب محافظت و محاربت آن راهبان
بعد از وصول تفکیکی و سواره بانجا اشرار طریق فرار نمودند
و آن راهبان کمال اینت بهم رسانده اند زواری که بار صند
اندکس روان بودند در نهایت اطمینان و آسودگی از آنجا
بهر کرده اند و عابرین و مترودین ازین حمله کمال شکر گذارند

از شهر اریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
سه نفر علایمان نقیب الاشراف بصره از آنجا فرار
کرده با یراق و اسلحه بمب محمده آمده بودند نایب الحکومه
بصره مراتب را عالیجاه میرزا ابوالفضل که از جانب
نواب مستطاب بیژان و الا تبار حشام الدوله حکمران
عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری مامور
نظم آن سرحدات است اخبار کرده بود مشارالیه
ده نفر از تفکیکیان بلوچ مستحضر آنجا فرستاده
در چهار فرسخی هر سه نفر را گرفت آورده بودند
مشارالیه نیز آنها را به بصره فرستاده به نقیب الاشراف

اوقات دنجور محنت ملوکانه آمد و یکسوی کلید از بوسن
مبارک برسم غلب با فتحا و مقرب انجاقان مشارالیه حمت
فرمودند

سایر ولایات

اصفهان از شهر اریکه در روزنامه اصفهان
درین اوقات خبر رسیده بود که جمعی از اشرار و قطاع
بختیاری بجهت سرفش و دست اندازی بجوالی کرده اند
امده اند عالیجاه چراغعلینخان نایب الحکومه اصفهان
استحضار فرمایید و پنجاه نفر از تفکیکی سوریچی و سواره
فرستاده بود که مراقب محافظت و محاربت آن راهبان
بعد از وصول تفکیکی و سواره بانجا اشرار طریق فرار نمودند
و آن راهبان کمال اینت بهم رسانده اند زواری که بار صند
اندکس روان بودند در نهایت اطمینان و آسودگی از آنجا
بهر کرده اند و عابرین و مترودین ازین حمله کمال شکر گذارند

و بیکر نوشته اند که از ایلات فارس از طایفه جمعی در حوالی
رای که میان بزرده اصفهان و شیراز و حد و در محال جرقوی
برای دست اندازی قوافل رفتند و عالیجاه چراغعلینخان
نایب الحکومه اصفهان اومی بزوانالی جو قوی که در محال علیان
بوده اند فرستاده و جمعی از تفکیکیان چابک آنجا را برودند
بجلا آنها رفته بودند و چند سب از سارقین تیر خوردند و مجروح
فرار کردند

و بیکر نوشته اند که چون در بعضی نهبهای نادیهای اصفهان که
در محاربت بودند خرابی بهم رسیده بود و بجهت عابرین حمت
مست حاصل شد عالیجاه نایب الحکومه معارف و تیار و عمل
مست

سپرده قبض رسیدگی گرفته آورده بودند

دیگر نوشته اند یک نفر از اهل جزیره انحضری و کسار
شط محتره در میان آب بوده است ماهی عظیمی را
که اعراب او را کویچ میگویند و سنجک شبیه است
و دندان بسیار تیز دارد که از شمشیر برنده تر است
آن شخص را گرفته و نصف گوشت را شش را به بند
کنند و بود و آن شخص حالا در دست جراح است که
او را معالجه مینماید از قراریکه نوشته اند حال چندان
که این جانور درین شط بهر سبب است که کوچک
بقدر که سفند و بزرگ آن بقدر که گوشتش بزرگ است
و بسیار اتفاق افتاده و بزوی العین دیده اند که آب
یا آدم را که در آب گرفته است بهم شکسته و خورد کرده
خورد و است مالی آنجا که بجهت برداشتن آب بکنار
شط مزبور میروند نهایت احتیاط را از این ماهی دارند
که اذیت بانها نرسانند و از قراریکه کور این ماهی در وقت
مد دریا از دور یا بطی می آید و در وقت جزر دریا مریض

بدریا میسکند

دیگر نوشته اند که امسال تابستان هوای محتره و آن
اطراف بطوری گرم شده است که هیچ سالی کسی
اینطور که با شط مد نوشته است و لکن ازین گرمای آذین
بکسی نرسیده است اما احتیاطا نواب مستطاب شاهره
و الایتبار احتشام الدوله یک نفر جراح و یک نفر
طبیب سخته پرستاری مرصنهای قشون و غیره با شط
فرستاده اند و مراقب هستند که اگر ناخوشی اتفاق

بیفته مشغول معالجه و مداوا باشند تا بحال از قراریکه
نوشته اند باشدت گرمای تمور کسی ناخوش نشده است

از قراریکه مباشرین سده مبارک ناقصیه نوشته بودند
این روزها نواب امیرزاده ابراهیم میرزا بجهت
اتمام کار سه مریز بهر اشتم آمده اند و حسب حکم
نواب مستطاب احتشام الدوله نهایت سعی و اهتمام
در اتمام کار آنجا دارند و با وجود شدت گرمای آن
صفحات اغلب روزها خود بسرد مزبور آمده و بجای
آنجا رسیدگی می نمایند و آنچه کار مشکل آن بود این روزها
با تمام رسیده است و از قراریکه نوشته اند بعد از
اتمام سه مریز زراعت کلی ازین آب خواهد شد و
منافع بسیار مالی و زراعت کاران آنجا خواهد بود

دیگر از قراریکه نوشته اند فوج امرانی لرستان در آنجا
با کمال نظم راه میروند و مالی الوالات نهایت
رضامندی از حسن سلوک آنها دارند و عالیجاه میرزا
ابوالفضل ماه ماه سان آنها را بدقت دیده و صورت
از این نواب مستطاب شاهره و الایتبار احتشام
الدوله روانه مینماید و در انتظام امر آنها نهایت مراقبت
است تمام را بعجل می آورد و هم چنین در انتظام امر
توسیحی و تفنکی مستحفظ آنجا و رساندن مواجب و غیره
و دیدن سان آنها است تمام کامل بعجل می آورد و آنها نیز
کمال حسن سلوک با مالی آنجا سلوک دارند و امری که خلافت
قاعده و هم با آنها ناشی و صادر میشود

۱۲۵۹

اخبار دول خارج

احوال است مفرقه از جمله اخبار غریب که در روزنامه فرانسه نوشته اند احوالات مملکت برمه است یک صاحب فرانسه سیال پیش ازین با بخار فرقه بود و خدمت پادشاه آنولایت کرده مدتی در آنجا مانده پول زیاد جمع کرده بود درین روزها پاریس مراجعت کرده است در مملکت برمه چند فوج از اهل آنولایت را بطرح نظام فرانسوی واداره و منتهای محبت از امانی ایجاد کرده و در آنجا آن مملکت هم شده بود موافق خبر آخر که از آنولایت است کویا جنگ عظیم که اهل آنجا با فوج این استند موقوف کرده بودند اما اهل آنجا دست بسته شده جنگ گیر نمیکردند چونکه ولایتان جنگ سخت است از تیر و دین و بی از دستجات کوچک قشون انگلیس گاهی میسراندند در آنولایت که در تصرف انگلیس است سعی و کوشش میکردند که نظم بگذارند از جمله کشتیهای تیر و کوچک ساخته بودند که روی رودخانهها تردد نمایند و در میان شان نظام نشسته آنجا را با نظم نگاه بدارند و بعضی جاها نظم تمام نیز گذاشته بودند خصوصاً در پیگو که سمت دریا باشد قدیم داخل مالک برمه بود حال که دولت انگلیس آمد آنجا تصرف شده اند اهل آنجا کمال رضامندی از حکومت انگلیس دارند در قدیم دولت جداگانه بودند و بعد از آنکه پادشاه برمه ولایت آنجا را منسبط کرده و دست اهل برمه را منسبط مظلوم بودند از آنجهت حالا تسلط دولت انگلیس در آنولایت کمال رضامندی دارند از قرار نوشته صاحب منصب بود سیال است که سلسله این پادشاهان برمه در آنولایت

سلطنت می کنند و کمال تخیل و اوضاع سلطنت و جواهر و تقابیس که اینها در خزانه دارند ولایت بر نور بسیار جا حاصل خیز است و ابلش مردمی کارکن و چاکر و پیر و کنت تجار است فراوان جسم از آنولایت بدول خارج میروند اکثر این تجارت در دست انگلیسهاست و لکن از هر طرف و هر ولایتی هم با آنجا میروند و از جمله تجارت تازه که در آنولایت بر راه افتاده است داد و ستد چای است درخت چای در آن ولایت خیلی و خود در دست حال درختها را میروند که تربیت بشود و دوباره شاخهای تازه بالا آمده بر کشتان چیده بشود و جمعیسی از انگلیسها میخواهند جمع کرده اند و از اهل هند و چین کانی که سر رشته اهل آوردن چای دارند با برده اند که چای بعضی بیاد دارند اکثر این ولایت فیلس هموار در رودخانههای بزرگ از آنجا میکشند و درین رودخانهها شتی رود میکنند و حالا کشتی بخار در آنجا بر راه انداخته اند کمان دارند که بسیار بکار بخورد از جمله آب جنگ غریب در آنولایت دارند توپ است که بر روی فیل میکشند از یک طرف هر آه توپ را با چرخش حمل میکنند و فیل دیگر خود توپ را و بر روی بعضی فیلهای دیگر چیزی مانند برج تعبیه کرده میکنند که تفکیکی در میان آن می نشیند و جنگ می کنند موافق خبر آخر که از فرنگستان رسیده در هر جانی که ناچار و با بود بسیار تخفیف یافته بود بلکه از اغلب جاها رفع شده و لیکن درینکی دنیای شمالی شدت داشت خصوصاً در نیویارک و در جزایر خط استوا و در اطراف راه این که کلیفاریا میرفت

۱۲۶۱

سابقه در رودخانه سین که از پاریس میگذرد کشتی دوازده
 میگردند و یکسومش این است که رودخانه اش که چک است
 و اهل پاریس نیز چندین میل بگت روی آب میباشند
 چونکه زورقهای تیز و بسیار خوب ساخته و کشتی بخار
 در آنجا بر راه افتاده است بجهت تفریح مردم زیاد بروی آب
 میروند و از هر قسم کشتی کوچک و بزرگ در آنجا است
 و یک تاشای بزرگ در فصل تابستان کشتی دوانی است
 در روی رودخانه خصوصا امسال که کشتی دوانی خوب
 کرده اند و از سالهای گذشته بهتر کشتی دوانی شده
 است
 در فصل تابستان گذشته چونکه طایفه اعراب میان خیره
 از کوستان پایین آمده و در بعضی جایها که در تصرف
 بود تاخت و غارت کرده بودند دولت فرانسه عجب
 آنها قشون فرستادند که آنها را بطوری قبیله نمایند که بعد
 از دست بر جایا و ولایت میروند و در بعضی جایهای اولیا
 هم که سخت بود در بعضی بیابانها کی کرده و لکن آخر الامر فرانسها
 سگت خورده بمیان ولایت خود مبعوث کرده اند

و در خصوص گذشتن سیم حرج آنتی از برای فرستادن
 خبر از سمت جنوب فرانکستان بمنزب زمین نوشته اند
 که مدارک میدیدند که این سیم را در تهر دریا بکنند و لکن چون
 راه طولانی و دریا در آنجا بسیار عمیق است خیلی مشکل میدهند
 و بعضی قسم چنان میدانند که راه انداختن این کار در آنجا ممکن
 نباشد و لکن عهده ن قابل و کل اسباب لازم بجهت این کار
 کرده بودند

دولت عثمانیه نیز بنا دارند از اسلمابول تا بلخ را که سمرقند

استریه پنا سیم حرج آنتی بجهت فرستادن خبر از شهر تاشهر
 بگذارند در تابستان گذشته موسیو دلارو صاحب منصب
 فرانسه که در اینگونه کارها سر رشته تمام دارد با ولایت آمد
 بود که ملاحظه نماید و بنا دارند که این سیم را از شهر آذربایجان
 و بعد از آنکه از اسلمابول تا بلخ را تمام کردند سیمهای دیگر
 و بعضی جایهای دیگر در رودخانه طونه خواهند کشید و بر آورد
 اخراجات و طرح آنها را مشارالیه بدولت داده بودند
 دولت حکم شده بود که چند نفوس را بگذاشته درین باب
 گفتگو نمایند از خدیو علی غالب پاشا و ادیم پاشا و در ویش پاشا
 که حالا بسمت طونه رفته است و خلیل پاشا فریک توپخانه
 و مصطفی پاشا میر محاسب قشون بحری و چند نفر دیگر بعد از
 تحقیقات لازم فراری که موسیو دلارو گذاشته بود
 قبول دیوان شد و حکم از سلطان گرفتند و راه انداختن
 این کار بموسیو دلارو و موسیو اوژ و اردو بلکس و چون سیم
 دلارو بولایت فرانسه مراجعت کرده است که اسباب لازم
 از برای این کار بیاورد و امید دارند در اول زمستان آینه
 براه بگذارند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبده المحم با سیم حرج
 نزدیک دروازه دولاب با طبع شدن از این قرار خواهد شد

- ۱۰۰ ————— حفت نظامی عبت و پشیراز
- ۱۰۰ ————— سرایر دو تومان
- ۱۰۰ ————— زبده المعارف دو تومان
- ۱۰۰ ————— معراج السعاده یک تومان
- ۱۰۰ ————— فردوسی چهار تومان و نیم

روزنامه قایم اتقا فی تاریخ پیرمیدم ماه صفر مطابق سال ۱۲۷۱

مردود و نه وقت

قیمت روزنامه

یک ششده سیر

در خانه و چهار سیر



منطبعة دار انخلاف طهران

قیمت طلانات

یک سطر الحجه سطر چهار سطر

شش سطر پنج سطر

بیسر با سطر

اخبار و اشکالک رسیده پادشاهی

دار انخلاف طهران

در روز خورشید هجدهم این ماه سواره ارسا و جملای جمعیتی در
 سلیمانخان میرنچه را که در میدان ارک حاضر کرده بودند
 سرکار اوسس همایون پادشاهی ملاحظه آنها را فرموده
 و یکی یکی از حضور مبارکسان دادند که نشسته و در کمال
 سگوه دار استکی از اسب و اسب و اسب و اسب و اسب و اسب و اسب
 جوانان رشید نمایان و بهمه چند در نهانست نام بنظر اوسس
 همایون رسیده مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیدند
 و از آنجا موکب همایون تشریف فرمای قورخانه و در
 مبارک گردید جناب سیدالکتاب اشرف افخم صدر اعظم
 و بعضی از خواص خدم در رکاب همایون بودند و بکارهای
 مالی قورخانه و جنبه خانه و کارخانه های آنها علی التفصیل
 فرمودند چون عالیجاه نصرالدخان با شکر کوله ریزخانه در
 خدمات خود مراتب امتکانات را مشهور داشته بود خاصه
 در ریختن نارنجک که خود و عمده او بسیار خوب از عهد پادشاهی
 بودند لهذا امشارا الیه مورد التفات گردیده و العالی
 بجهت کله که ریز که نارنجک خوب ریخته بودند خدمت شده است

پادشاهی بعد از تماشای کارخانها نزدیک عز و آفتاب
 بارک مبارک که سلطانی معاودت فرموده
 درین اوقات که مرحوم مصطفی قلی میرزا رحمت ایزدی چو
 نظر بخدمتات مرحوم مزبور و ظهور شایستگی نواب احمد میرزا
 حکومت مازندران را بنواست معزم احمد فرموده و
 جنبه ترمه ریخته در مخصوص برسم خفت با و رحمت کرده
 و عالیجاه میرزا اسدالدستوفی را نیز نظر بخدمت سابقه
 و شایستگی او منصب وزارت و شکاری مازندران افرا
 و یک ثوب جنبه ترمه سیر با و خلعت مرحمت فرمودند
 درین روز از راه محل ناموریت شینو
 نظر بطور رحمت ملوکانه در باره مقرب اشفاقان حاجی
 حاجب الدوله در بقعه گذشته یک ثوب کلجه از طبلوس
 تن مبارک برسم خلعت مقرب اشفاقان شاربیه رحمت
 فرمودند
 مقرب اشفاقان مهر علیخان سر قیپ افواج فارسی را سرکار
 اعلیحضرت شایسته ای نظر بخدمت قابلت و شایستگی و خدمت
 او بوقت شجاع الملکی سرافراز فرموده و یک ثوب جنبه ترمه اعلی

از اسی

۱۲۶۲

از اسی

خلعت محبت فرمودند و حسیب قشون فارسی را ابوالفتح
 او فرمودند و قشون خلوی فارس را هم مقرر فرمودند
 که زبان نفی و عمل موجب و سیورسات آنها رسیدگی
 نگذارند از سر کرده و صاحب منصب نسبت تباین در
 موجب و سیورسات حیف و میلی واقع شود و امور
 فارسی را منجبت المجمع عظیم و منس سازد

عالیجاه محبت همراه میرزا عبد الرحیم از روز اول که قدم
 بر ایره نوکری گذاشت خاطر اولیای دولت علیه را از
 خدمات خود راضی و خورسند داشت و روز بروز آثار
 درستی و صدف از ناصیه احوال او ظاهر و لاج
 قبل ازین اولیای دولت علیه او را بمنصب اجودانی وزارت
 امور خارج سرافراز فرمودند یکچندی در لوازم انجمن
 قابلیت نظایر ساخت و مورد تفریبات کرد به تادری
 اوقات اولیای دولت ابدت با شاره علیه جایون
 عالیجاه مشارالیه را بمنصب نیابت اول سفارت دولت
 علیه مقیم اسلامبول و لقب ارجمند خانی سرافراز فرمودند
 و فرمان واجب الاذعان جایون عرض صدور یافت و کتب
 جبهه اعلی برسم خلعت مهر طلف جایون باو عنایت کرد
 این اوقات بجل ماموریت روانه خواهد شد
 چون عالیجاه مقرب البحضرة انخافیه همسر این خان کار
 سابق دولت علیه در بند محموره همینی کمال عقل و قاعده
 و جوهر ذاتی خود را در حسن سلوک و خوش قناری و سرپر
 از سجد و سجاد ایند دولت علیه منصفه ظهور آورده اند خدمات
 او در پیشگاه نظر اقدسین جایون اعلیحضرت شاهنشاهی
 مستحسن اعتماد و قابلیت عالیجاه مشارالیه را در خور التفات

۱۲۶۲

ملوکانه در رجوع خدمات دیگر و بدین روز که رای اولیا
 دولت علیه بر اجبت عالیجاه مقرب البحضرة العلیه و سخنان
 کار پرداز اول دولت علیه مقیم علیه تعلق یافته بود و
 از چاکران دولت علیه کسی دیگر بجای او مامور شود عالیجاه
 حسین خان را باین خدمت شایسته نشان کار برداری
 اول که عبارت از قشون خبرالی باشد مامور افتاد
 فرمودند و نشان او را در از حسن خدمات بقدر قشون
 بقشون خبرالی زنی دادند فرمان جایون شرف صدور یافت
 و با عطای یکشوب جبهه ترمه از هلس خاصه جایون
 و سرافراز آمد و این اوقات روانه محل ماموریت خود خواهد
 چون در دولت علیه ایران از سوا الف ایام در غل و نصب
 حکام همیشه اینطور بوده است که بعضی رسیدن خبر غل حاکم
 از اهل انولایت نسبت بان حاکم ولایت هرزگی و بی اعتد
 میشد و باین واسطه حکام بعضی استماع خبر غل خود لابد بودند
 که بای نخوگان خود را از جمله سلامت رسانیده بهر طرف
 از انولایت بیرون آید و ضرر این فقره هم در اخر رعیت
 می آمد و رسم جبهه دولت ریزاکه در رسیدگی عمل محاسبه
 معاملات او رعیت محض از برای ندادن مال دیوان ریزاکه
 بیای او قلعه دستگیرند و او رسم از این طرف باقی در محل
 عینو و لابد بودند دیوانیان که یادست از مالیات و با
 بردارند با رعیت را کلاً حاضر کنند و حساب رسیدگی
 این فقره اخیر که بسیار مشکل است که صورت بند و مال دیوان
 تلف و حیف و میل میشد لهذا درین عهد فیروزیه عهد اولیا
 دولت علیه برای رفع این مواد و آرد داده اند که اولیا

هکلیت از رسیدن ایالت یا عیسی که ضرر آن عاید دولت شود
از حکام صادر نگردد و البته عزل خواهند کرد و اگر حاکمی که نتواند خود
استخوان کند لکن در صورتی که حاکمی معزول شد و یکی منصوب کرد
آن حاکم معزول باید با کمال احترام و تسلط مثل ایام منصوبت
خود در آن ولایت بوده و ولایت را با کمال لطف نگاهدارد
و مشورت شود تا حاکم منصوب برسد و تا رسیدن حاکم
در آنجا باشد و بعد از رسیدن حاکم منصوب با کمال عزت
و حرمت بطوریکه در هیچ دول این قاعده معمول است

درین اوقات که مرحوم سیف الدخان شاهسون فوت
کردید و بود از جانب اهل ایامی دولت قاجار حسب
منصب بر کردی سوان نه زوره بجایجا لطف الله خان
برادرش را به رحمت گردیده و بکلیت شال و یکویب
رزی باو خلعت رحمت گردید و منصب این یکی گری طایفه
منزوره نیز بجایجا هدایت الله خان برادر کوچک او رحمت
و بکلیت شال کشمیری با خلعت عثمانیت گردید

سایر ولایات

کرده با یکدیگر برزنده و چند روزی همان حاکم منصوب بود
یا عمل ولایت را خود با او سپرد و از حسابش را بگذراند
یا آدم امینی که صاحب کشمیر و مباشر شال و شال خود بداند
به سمت آن حاکم منصوب سپارد که حساب ولایت را او
و آن آدم که میگوید با این جهان باشد که هر چه میگوید
حاکم معزول از قبول ندارد و قبول کند و نیز بر عهد و قرار
نموده اند که بعد از رسیدن حاکم اگر از اهل ولایت
نسبت با و و کسان او برزگی و حفاظت قاعده و احترامی
سر برزنده البته غرض و سیاست خواهد رسید و اگر از
حاکم منصوب حفاظت قاعده و بی احترامی نسبت بحاکم معزول
سر برزنده قطعاً اولیای دولت آن حاکم معزول را نصب
و آن منصوب را عزل خواهند کرد و مورد مؤاخذه هم
گردید

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته
چون عالیجا میرزا ابراهیمخان سربند جدی بود که بعضی
بود عالیجا چه اعلیخان نایب الحکومه اصفهان در انتظام امر
ابو اسحق شش را لید در رساندن بر اینست و خاناناری اصفهان
انتظام را معمول و همیشه و خود لفظ رحمت نسبت
شاه میرزا زرافیر سزنده و ناخوشی عالیجا میرزا
ابراهیم خان هم بصحبت پیوسته با افواج ابوالکلام خود
در دوازدهم محرم در قارسی گردید

دیگر نوشته بود که در منزل مقصود بیک بار قورخانه که
بفارس سپردند شخصی سمرقند قورخانه بود علی بیک نایب
قورخانه از او پرسیده بود لوگیتی گفته بود من حالامتن
همراه شماستم که قورخانه را آتش بزخم علی بیک تاپ او را
گرفته تار تار ز یاد زده بود و در آنجا که خدای مقصود
سپرده بود بعد از رسیدن این خبر بجایجا چه اعلیخان
اصفهان دستاورد است و در ایامی که کت و چکاره است
از قراریکه از االی آن حوال و خوش سموع شده است که بیدار است

چون عالیجا است و خان سزنگ قورخانه مبارک که در
عید مولود اعلی حضرت پادشاهی سباب شهبازی سجده
مبارک آورده سخن و مقبول خاطر ملکه کانه افتاده لکن بکلیت
شال بجایجا شش را لید خلعت و انعام هم بقورخانچیان و مر

1160

مشابه بین این اوقات برای خود عالیجاه چراغعلیخان
 اتفاق افتاده است که در عمارت چهل ستون نشسته بود
 و جمعی مسم بوده اند ناگاه شخصی قوی بیکل کلنج پست در برود
 علامه کبر باس سجور و سر و کبوه در پا و چوبی سبط در دست
 داشت آمده پیش روی عالیجاه مشارالیه نشست و
 خود را ببردن آورده و پیش رویش گذاشت عالیجاه
 از او سوال کرده بود که کیستی و از کجایی و در اینجا کیست
 صیت گفته بود که من از کرمان آمده ام که از اینجا بروم بطا
 نزد پدرم هزار تومان پول از تو میخواهم حکما باید حالا بدی
 بعضی کتابها هم از قبیل منہاج و سجاد و غیره از طلا بگیرم
 بروم عالیجاه مشارالیه حالت او را که بان قسم دیده بود
 زیاده و اجمه کرده بود که اگر خلاف رای او حرفی بزند چون
 زیاده نزدیک و دست بست نشسته است هیچ مضایقه
 ندارد که با بیان چوب او را مضحک بکند و هیچ فرصت برین
 آدم ندید قدری بلاصت گفت که ده حاجی کاظم نام شه
 بنیل فروش در اینجا حاضر بوده است با و گفته بود که آن
 بیرون هزار تومان به هید حاج مشارالیه دست او را گرفته
 بهمانه و آن هزار تومان از آنجا حرکت داده چند مدتی
 که برده بود عالیجاه مشارالیه گفته بود او را گرفته بودند
 و قدری چوب زده اذین کرده بود که راست بگو کیستی و
 کجایی خستی باز همان حرفها را تکرار کرده بود که حکما باید هزار
 تومان را از تو بگیرم و آن کتابها را هم گرفته ببرم عالیجاه
 محل بر جنون او نموده و او را بر این دست تاجچه بردند
 دیگر نوشته بود که عالیجاه چراغعلیخان در تقدیم لوازم حرام
 روز سه شنبه و مسعود سلطانی کمال اهتمام نموده شب یکشنبه

۱۲۶۶

شهر صف المظفر را بطریق عید نوروز چراغان کرده اعیان
 اشراف و سادات و علماء را صیافت کرده تهیه سبب
 و سرور نموده است و در روز نوروز در رعایت شرایط طرز
 عید از شلیک توپ و غیره هیچگونه فرودگذاشت کرده است
 بر و خیزد

از فرار بکه در روزنامه ایولایت نوشته اند در ۲۴ محرم
 فتح المجهدين و افضل الحاج و المعتمدين حاجی ملا اسد الله
 سرودن سنجی الاسلام بخدمت مطبقه بدر لقا حلت نموده و
 مستطاب هزاره و الا حشام الدوله سخته تو قیر و حرام
 جانب علمای اعلام حکم کرده اند که بازار را با بر چیده صغیر
 کبیر به تسبیح جنازه مرحوم مزبور حاضر شده اند و روز دوم
 خود نواب معزی الیه مجلس فائحه خوانی تشریف آورده و
 نواب جلال الدین میرزا را هم به تقدیر سلامتی سپرای
 مرحوم مزبور فرستاده نهایت التفات را مبذول داشته

خازندگان

از فرار بکه در روزنامه این ولایت نوشته اند شب
 صف المظفر که عبد مولود سلطانی در رعایت شرایط حرام
 از روز کمال اهتمام بعل آمده تشریحی زیاده و شلیک زنی کرده اند
 و بازار و کوچ شهر چراغان کرده و خوشی نمایان و سرور شایان
 نموده اند

دیگر نوشته اند عالیجاه قنصل دولت بهیه رویه وارد اینجا
 و قبل از ورود او نواب محمد کریم میرزا پسر مرحوم نواب مصطفی
 در رعایت شرایط حرام و کمال اهتمام نمود و جمعی را باستقبال عالیجاه
 مشارالیه و ستاده است و منری در باغ حبه ایشان بجهن نموده اند
 و در احترام و هماننداری او هیچ مضایقه و فرودگذاشت نموده است

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شنبه و چهارم صفر المظفر مطابق سال ۱۲۶۷

نزد صد و نود و شصت

منظبت دارا خلاق طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار خطی هر روز
شش خطی هر روز
بسیار با هر خطی



قیمت روزنامه

یک نسخه در هر یک

هفت و چهار هزار

اخبار و احکام محرومیت شاه

دارا خلاق طهران

در روز یکشنبه بیستم این ماه که یوم اربعین بود اعلیحضرت پادشاهی بزیارت امامزاده واجب التحظیم شاهزاده عبدالعظیم شریف برودند و جناب جلالت آقا محمد تقی صدراعظم و بعضی از خواص خدمت در موکب جایون بودند بعد از زیارت روضه تبرک بیاع دولت آباد شریف فرمودند که حوالی عزوب آفتاب مبارک که سلطانیت فرمودند

پسر مرحوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا مرحمت فرمودند چون مراتب خدمت و فطره کفایت عالیجاه آقاخان سرتیپ در انتظام امور سواره ایلات قزوین ابرو اجمعی خود در خاک پای اعلیحضرت شاهنشاهی معلوم و مشهود گردید لهذا محض مرحمت و دفع سربندی و بز چلوئی را علاوه بر سوار مزبور ابرو اجمعی عالیجاه را لیه فرمودند

جناب جلالت آقا محمد تقی صدراعظم خذرو را که از صبح تا عصر بدرسد دارالفنون شریف برده و یاد علوم نظامیه حربیه و غیره را در فترت امتحان می نمایند که در هر یک در علم متعلق بنحو معلوم شود و چون تویز این امتحان تمام شد است بعد از آنکه تمام شد تفصیل آنها در روزنامه آینده نوشته خواهد شد

چون در سوازه سابق بجهت کمی آب حوض سلطان بمترودین و عابرین بدیکه نشست و گاهی اوقات هم که از جانب لوان اعلی مخارجی در آنجا میشدند آن مفید فایده نبود درین وقت محض رفاه حال عابرین و مترودین حسب الامر آن جناب اعلیحضرت پادشاهی جناب جلالت آقا محمد تقی صدراعظم بمقر ذوالفقار خان نایب الحکومه مقرر داشتند که آنجا را بترتیب منوط نموده و اسطخهای متعدد بسازند که آب زانجا در حوض مزبور جمع شود و برای زوار و عابرین بدیکه در مسیر مشارالیه نیز کمال اهتمام را درین باب بعمل آورده بنا عمل نماید تا حال دو اسطخ دیگر در آنجا ساخته اند و آب آنجا بطوری

چون نواب احمد میرزا حاکم مازندران از کاب مبارک مرضی حاصل نموده روانه گردیدند مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی محض مرحمت یک لوب جبهه ترمه خلعت بجهت نواب محمد کریم میرزا

۱۲۶۷

۱۲۶۷

امتی حاصل شده است

زیاد جمع شده است که متروکین سحقت در آنجا از آب
تنگه سنی نتوانند کشید و بسیار خوب سمت آبادی گرفته
روز بروز نیز آبادی آنجا زیاد میشود بقستی که این اوقات
بنای باغ و زراعت در آنجا گذاشته اند

در خصوص ملک ششمن بعه دول متجا به در ایران زمین
بزه صد و شصت و صد و نود و بیست و یک گشته شده است
که صاحب ملک بودن بعه دول خارجه درین دولت متوجه
بشرط است اولاً اجازت سرکار اعلیحضرت پادشاه

نایب امضای مالک ثانی رضای رعیت از برای اینکه
این سنی که شرعاً عموم خلق داخله و خارجه بشود باز شرط
شده مزید التا که نوشته شد اما بجهت ترویج تجارت فقره
ابتیاع خانه و مکان برای وضع مال التجاره و سکنی بجهت

از شرح مزبور مستثنی و راجع بفصل خیم عهد نامه تجارت
که اینک مضامین فصل مزبور بعینهما گنجانده شده است
موافق عاداتی که در ایران موجود است برای اهالی پکنه مشکل
که خانه انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود با جاره

پیدا کنند لذا به بجهت روس در ایران اذن داده میشود
که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت
هم اجاره نمایند و سهم ملکیت تحصیل کنند
سایر ولایات

اصفهان از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته
عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه اصفهان جمعی از سواران
شماره بجهت محافظت طرق و شوارع سمت فارس روان
کرده است و سواره مزبوره نهایت سعی و استقامت را در فرود
محل خود بلبل آورده اند و در راهها بجهت محاربت آنها کمال

دیگر نوشته اند که عالیجاه نایب الحکومه در انتظام امر بلوکها
و رفاه حال رعایا و وصول قسط مالیات کمال سعی و متحمل
و اغلب اوقات در بلوکات گردش کرده بکار رعایا بسیار

کامل بنیاید از جمله بلوک باین و بلوک برخوار است که زراعت
خالصه و اربابی بسیار دارد و درین اوقات انتظام کار آنها
بطور خوب داده و بجای در کمال رضامندی مشغول عمل میباشد

از فرار یک در روزنامه اینولایت نوشته اند عالیجاه نایب الحکومه
بسیار مشتبه تومان بجهت تدارک سر باز قرار داده بود که
عبد المادی به و مشارالیه نتواند راد کیت کرده است

اقامه باقر نام صرف داده بوده است که ببرد ستم
سربازان نماید صرف مزبور در وقت تعزیه بمارت تال
رفته و بعد از تمام شدن تعزیه کیت پول را فراموش کرده
بجای گذاشته بود در بیرون شخاط آورده مراجعت کرده بود

معلوم شده بود که کیت پول را یکی از سربازان قراول
و بهمان طور سر بهر بنزد عالیجاه نایب الحکومه برده بود
فرستاده صرف مزبور حاضر کرده نتواند را با داده بود
که ببرد سربازان برساند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه در تعمیر
عمارات و یوانی آنجا کمال تاکید و استقامت را دارد و هر روز
از عمل و بنا و بنجاره بکصد نفر در عمارت جدید کار می
و عالیجاه مشارالیه همه روزه یک دفعه بکارهای بنائی سرگشی
بنیاید که زود و خوب با تمام برسد و همچنین کاروانسرای که
در چهار سوق واقع و بار افتاده بود مشارالیه قرار داده بود

۱۲۶۸

که آنجا را بجهت مکان سواره انقشار بسازند و تعمیر نمایند که در آنجا
مکن شوند و از کاروانسرای مردم بهره نهند

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند بیت و حیات
خانوار ترکمانی که نواب مستطاب هزاره و الایبار فرما
با رؤساء و خدیایان سرخسی فرار داده بودند بیایند
ارض قدس باشند این اوقات وارد مشهد مقدس
شده اند و در کاروانسرای طرق سنلی با آنها جاداده اند
تا در هر محله که مقرب انخاقان و وزیر نظام مصلحت باشد
بجهت آنها منزل معین شود و موافق قراری که نواب معزی
داد و بودند مقرب انخاقان و وزیر نظام قدغن کردند آنرا
آنها را بدیند و قبض رسیدگی دریافت نمایند و بعد از آنکه
نزد مقرب انخاقان و وزیر نظام آمد بودند مقرب انخاقان
سارالیهسم اظهار کمال مهربانی با آنها نموده و آنها را
بالغات اولیای دولت علییه امیدوار ساختند بودند
و بجهت هر نفسری قد و چای داده و اظهار مهربانی
نموده بودند

مردود رابعل آورده

دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان و وزیر نظام در عیاب
نواب مستطاب هزاره و الایبار فرما در نظام امر
ولایت و رفع بی اعتدالی و بی نظمی و کوتاهی دست شراست
هرزگی الواط و اشرا کمال استقام دارند از جمله چند نفر بودند
که همیشه مصدر فتنه و فساد می شده اند و از حول و حوس
بت بیرون نیرفته اند باینجهه گرفتن آنها مشکل بوده است
تا اینکه این اوقات باز مصدر هرزگی و شراست شده بودند
مقرب انخاقان و وزیر نظام چند نفر فرانسس کاشته بودند
که هر وقت آنها را در خارج بست دیدند فوراً بگیرند و نفر
آنها که یکی حاجی عبدال نام و دیگری علی نام مشهور کرجی
بوده است در خارج از بست دستگیر شدند نزد مقرب انخاقان
و وزیر نظام آورده بودند ایشان هم قدغن کرده بودند آنها را
بارک نزد نواب سلیمان میرزا پسر نواب هزاره و الایبار
فرما نفر ما بیزند که در حضور ایشان بسرای عمل خود برسانند
که باعث عبرت دیگران شود

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند نواب شاهزاده و
سیف الدیمیرا حاکم قزوین بجهت احترام روز مولود مسعود
سلطانی سه شب علی التوالی در شهر چراغان کرده اند و
شب ششم شهر همه المظفر که در عهد مولود مسعود سلطنت
در شبها بجهت جشن و سرور و چراغان کردن شهر نهایت
مراقبت و استقامت رابعل آورده در رعایت شرایط احترام
عید مولود مسعود فرموده اند که کذاست کرده اند

دیگر نوشته اند که امر آنجا از اجتهادات نواب سیف الدیمیرا

از قراریکه نوشته بودند نواب شاهزاده و الایبار از
نظم سرحدات و اطراف و حول و حوش کلات و شهر
فراغت حاصل کرده بودند عزیمت تاخت آخال و نصفت
نموده بان حدود تشریف برده اند که اسخود در اهم
شایسته بدیند

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که شب و روز
ششم ماه صفر که عید مولود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
بود در خراسان کمال جشن و چراغانی و شلیک و لازمه

۱۲۶۹

کمال نظم و ادب و مسواریه اوقات خود را صرف نظم امور
ولایت و تحصیل آسودگی رعیت مینماید و از ضبط اموال
الترام گرفته اند که بعد ازین هیچ اسم و رسم ضد متانند
جریمه از احدی نمیگیرند

عربستان

از قمر اریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
با دو صفت شدت گریهای تابستان آن صفحات بجهت
بختون ماموره بسیار خوش گذشت است و کسی از آنها
تلف شده است که عاقل نام و کیل دسته پنجم فوج
که مدتی مریض بود درین روز فوت شده است و یک نفر
سرمه بازو بیکر که چند وقت پیش ازین فوت شده بود از
قتل ماموره در آن صفحات بجز این دو نفر دیگر
تلف شده است

دیگر نوشته اند که چند نفر از دامه یکی از خانهای اطراف
جزیره انحصار اسیر کرده بودند که اموال آنجا را برقت
نمایند که یکچنان که بجهت شوارع جزیره انحصار مشغول بوده اند
خبردار کرده و آنها را تعاقب نموده یک نفر را مقول
و یک نفر را دستگیر کرده آورده بودند بعد از تحقیق
معلوم شده بود که در دوران از طایفه مومبار و توی آنجا بوده اند
و این دو نفر که یکی کشته و دیگری دستگیر شده است با
برادر بوده اند و پدر آنها نیز با آنها همراه بوده است
و دستاورد پدر را نیز آورده اند مقول را دفن کرده و
چهره پسر را در جسد دارند

دیگر نوشته اند که درین اوقات موسم آمدن جهازات
بانجامت از اطراف سواحل بحر و مینشی و غیره کشتیهای

بجهت حل خرما وارد آنجا شده و در بندر سحره هر یک کشتی
که تعمیر لازم داشته است تعمیر نموده اند و خرما و غیره از بندر
و محمده و آن اطراف حمل کرده مراجعت نموده اند

فارس

از قمر اریکه در روزنامه فارس نوشته بودند
محمد ابراهیم خان سر قریب افواج اصفهان که بر حسب حکم
اولیای دولت علیه مامور شده بود از اصفهان بفارس
برود در عده شهر صفر المنطقه با دو فوج ابو اجمعی خود وارد
شیراز شده اند و در همه جا با کمال نظم و قاعده حرکت
کرده اند

کرمانشاهان

از قمر اریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
شاهزاده و الایثار عماد الدوله حکمران کرمانشاهان در
امر ولایت و رفاه و آسودگی رعیت نهایت اهتمام
معمول میدارند و مواجب نوکران را با استحضار عبد الکفریم
غلام پیشخدمت میرسانند و درین باب کمال اهتمام را
دارند و با کمال دقت بان افواج آنجا رسیدگی نمود
مواجب هر یک را نقد بنموده و داده قبض رسیدگی
در یافت مینمایند

دیگر در باب انتظام شهر و محلات قدغن اکیه بدار و
مستحقین نموده اند که شبها در حفظ و حراست بازارها
و دکا کین و محلات لوازم اهتمام را معمول دارند و آنها
حسب احکام نواب معری الیه نهایت مراقبت را در حفظ و
حراست اموال مردم بعمل می آورند و باین واسطه وزوی
سرفت گری اتفاق می افتد

اجنار و اول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر کہ ازین مملکت رسیدہ نجم و کچھ بود چنانچہ در روزنامہ سابق نوشتہ اند و ترجمہ است اصل شور تاجانہ از خوشین و کلائی رعایا مخلص شدہ بودند کہ بوظیفہ خودشان بردندنا خوشی و با کتبی در نیولایت بود و تخفیف کفای یافتہ بود بارہ کی بر و کر و ہ بود و لکن در سبب جانشینت داشت در بعضی بلوکات بود و لکن رپی سخت لندن بسیار کم بود و چون پونس الیزا در جزیرہ بویٹ بودند کہ در کنار دریاست و در تاجستان جای بسیار باقی نمانست و در پایتخت از اضافی دولت و خوشین ایمان کم مانده بود و اکثرشان بکینہ خوشی بواسطہ تاجستان بہ مات و بلوکات اطراف رقبہ بودند

و ہم ششصد و شصت و ہشت ہزار سہ کس سفند و این کوسفند ما را بکجیت امتحان فرستادہ اند و اگر توان پیچیدہ ہر افسر رساند بعد ازین یا اولیہ بستند و چونکہ خوب بنزل رسیدند اقرار است کہ بعد ازین کاو و کوسفند زیاد از مغرب زمین مملکت فرانسیسی ہر بستند و شہر مرینڈو فرانسہ مردم و آنجا کار بسیار ثواب کردہ بودند چون سپہ سالار تاجانہ آنجا و تاجستان گذشتہ از و با تلف شدہ اند تو انکاران دولت تاجانہ خود جمع میکردند بکجیت ایام و بارہا تاجانہ ضعیفانہ و با مردہ بودند و در اندک مدت تمد و نو و ہزار و پانصد فرماں کہ یک بہ نوزدہ ہستند تو پان ہول ایران بسیار جمع کردہ بودند و بدست مردمان ہمین سپردہ بودند کہ در میان اہل استحقاق تقسیم نمایند

اسپانیول رپی سخت اینمکت قشون یا جمع میکرد کہ بارہ و بارہ غشاش در نیولایت گذارند و تاجانہ مملکت اینت نہ داشت و از سبب متحد غشاش بود استخریہ در روزنامہ وینہ پایتخت استریہ نوشتہ اند کہ اسپر اطوار انگلستان در بلوکات سیاحت میکرد و او ان نیز کانچہ شد کہ پایتخت مراجعت بکنند پور تو قال تاجانہ واروشدہ بود و دو پادشاہ بنا داشتند کہ با ہم بویٹہ مراجعت کنند و لوازم ہماننداری بکجیت پادشاہ پور تو قال تاجانہ میدیدند در ممالک کوچک نہ از ہر جا یک پادشاہ پور تو قال عبور میکرد کمال حرمت و غرت از حکمرانان ممالک مزبور میدید

بیکلی و نیامی شمالی در شہر و شین تاجانہ یکلی نیاتش افتادہ بود و دو تاجانہ تمام سوختہ بود و یک تاجانہ بکجیت کشتی بزرگ میرختند و آہر کہ داشتہ در میان تاجانہ میرخت ناما کہ آہرین شلار بود بالارفت و در میان غلغلی تاجانہ غیر از غلغلیات قورخانہ پیشہ از صد نفر بکجیت تماشا می رختن یک مزبور آمدہ بودند بچکس تلفت نشدہ و لکن سپاری از مردم رختار شد

تاج پوپلے

پور تو قال در مملکت پور تو قال آفتی کہ چند ساست در تاجانہ انکوارا افتادہ باز اسال بود و انکوار ہم در آنجا بسیار کم عمل آمدہ بود و آنچه ہم عمل آمدہ بود موجود بود و نیولایت ہم در تاجستان با کرم بسیار شدت داشت و ہر ای تاجانہ و غیرہ و در نیولایت نیز مانند ولایت اسپانیول کہ ہم سرحد آنجا است بسیار بی نظمی و غشاش بود

در مملکت سینیڈا کہ جزو ممالک تاجانہ می باشد نا خوشی و با بود و عوام عقائد غریب درین باب داشتند چونکہ سابقا از دیوان باغی شدہ بودند کجا نشان این بود کہ نا خوشی و با جز نیست کہ دیوانیان بکجیت سپسہ آنجا اشرار کردہ اند و کم مانده بود کہ ہمین سبب غشاش نمایند نوزدہ سال سابق بر این نیز کہ ہمین نا خوشی در آن ولایت بود اہل آنجا این اعتقاد را داشتند و سبب بر بنجوردکی سیند شدہ بود

احوال تاجانہ متفرقہ

فرانسہ در یکی از روز ہای فرانسہ نوشتہ اند کہ حال جزیرہ العرب آرام گرفتہ است و نظم در میان شہت سال سال حاصل آنجا زیاد میشود و قنای میود تازہ و خشک و زمیری آلات بککلت فرانسیسی فرستادہ اسال ہم غلغلیات

تاجانہ شہر نیوارک بیکلی نیامی شمالی بنا گذشتہ اند کہ کشتی بخار در ہر شہر یک دفعہ از انگلیس بیکلی و نیاروانہ نمایند و این غیر از کشتیهای دیگر است کہ موافق سابق پانین و ولایت آمدہ و رفت نمایند

۱۲۷۱

چند وقت پیش ازین دولت فرانسه قدری قشون بولوا
 که نزدیک باسترالیا باشد فرستاده آنجا را متصرف
 و اسم این ولایت نول کله نیاست اول بعضی از آنکه
 که در ولایات آن اطراف میباشند قدری از آمدن فرانس
 با آنجا حمله برودند حال می بینند که این مردم حیرتشان بود و از
 آمدن فرانسه با آنجا بسیار راضی و خوششوندند و در بعضی جاها
 ابناء را ساخته اند و لنگرگاه بجهت کشتیها برقرار کرده اند و معدن
 ذغال سنگی هم پیدا کرده و در آورده اند و لنگرگاه
 بجهت کشتیها و ذغال سنگی بسیار بجا کشتیها که در آن
 دریاها تردد میکنند میخورد یک رودخانه بزرگ از آنجا
 میگذرد که کشتی میتواند در آن تردد نماید و از ولایتی میگذرد
 که زمینش بجهت زراعت بسیار خوب است و لکن تا بحال در آنجا
 زراعت نشده است و بجز آنجا هیچ جای آنجا که بجز آنجا
 ترکیب زمینش و خاکش از ولایت استرالیا است
 دارند که در آنجا نیز مانند استرالیا طلا پیدا نمایند و خود
 تیون و نارنجی و پور تو قال و لیموی ترش و سایر مرکبات
 در آنجا کاشته اند و بسیار خوب بعضی آن است آنکه
 نباتات غریب که در آن ولایت خود رو بعل می آید بیکر است
 که مانند تیشکر که بجا نشیر میابد
 از جمله اجناس غریب که از هندوستان بملکت فرانس
 فرستاده اند که در تجارت بلور آنجا که در سال آینده
 میشود بگذارند یک فرانس است که از علاج ساخته اند چ
 ذرع طول دارد و چهار ذرع و نیم عرض کل آن علاج ساخته است
 و ترکیب حصیر بافته شده است و ششصد تومان قیمت میکنند

درین روزها در ملکت انگلیس باز بسیار برهنه خوردگی در
 کاسکهای بنجار که در راه آهن تردد می کنند شده است
 با اینکه کمال دقت می کنند که اینطور اتفاق نیفتد و لکن بعضی
 اوقات برهنه خوردگی می شود و مردم تلف و زخم میگردانند
 و چون که شب و روز راه میروند با همه سعی و کوشش باز
 خطر برهنه خوردگی دارد از جمله شخصی سیاح نقل می کند که با
 کاسکها سوار شده بود کسیکه در آنجا بود با او گفته بود که با
 تلویش و خطرات دیگر که بسیار شد راه میروند درین
 گفتن آن شخص نشستن سیاح مبرور بجا لکه بعضی حرکت کاسک
 بجا یکدیگر خوردند و بهر پریده و در کن راه و از رویه افتاد
 و حتی که زخم داران کاسک مبرور را نیز زخمی کرد که در آن اطراف
 بود بودند پارچه های چوب کاسک مانند تیر که از کان
 می آمد و هم بجز دیبه (ب) آنها فرو رفته و شکسته شد و در زمین
 یکسره گشته و نشانه رفته که دیده بودند

اعلامات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه جاب عبدالمجید باسجود
 نزدیک دروازه دولاب مطبع شده از این قرارند
 حتمه نظامی بیت و پنجاه
 سرایر دو تومان
 زبده المعارف دو تومان
 معراج العباد یک تومان
 صدیقه السیده هشت هزار
 شاهنامه چهار تومان نیم

۱۲۷۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه و نهم ماه بیج الاول مطابق سال ۱۲۷۱

نمره صد و نود و دو
قیمت روزنامه
یک ششده شایر
هفت و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعتدات
یک سطر چهار یکمزد و بیست
شش سطر بیست و پنج سطر
بیسر با هر سطر

اخبار و احزاب ملک محمد و پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته که افواج قاهره نظام متوقف
در میدان شوق خارج دروازه دولت مشغول شوق بودند
اعلیحضرت پادشاهی بمیان افواج قاهره تشریف فرما
گردیده ملاحظه تماشای شوق و حرکت آنها را فرمودند
چون یکی در حال آراستگی دستپاچه بودند مستحسن و محبوب
خاطر ملوکانه افتاده مورد تحسین گردیدند
چون جناب امام جمعه دارالخلافه طهران درین اوقات بفری
د بستی است لهذا اعلیحضرت پادشاهی محض اعزاز و احترام
جناب علمای اعلام در روز یکشنبه ۲۶ ماه گذشته بعبادت
جناب امام جمعه تشریف فرما گردیده بعد از اظهار تقدیر
ملوکانه مبارک که سلطانی معاودت فرمودند

از فرزان مبارک بمصبوب سونکی توپخانه مبارک
سرافراز فرمودند
عالیجناب مطلب خان تفنگدار خاصه سواره کوه داری و لیطاف
چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده درین اوقات
برکاتب ایون شرفیاب گردیده و فرار کارهای او از
جانب اولیای دولت علیه واده شده درین اوقات که
از دربار ایون مرخصی حاصل کرده بسر خدمت خود
مرحبت نمود محض التفات ملوکانه یکمزد و بیست و لوله
انگلیسی بسیار خوب ممتاز با و مرحمت فرمودند و روانه
محل باوریت خود گردید که با سواره و پیاده ابوالحسنی خود
بمجاظت و محاربت زوار و مترودین منازل عرض راه
خراسان کجانی السابو مشغول باشد

چون عالیجناب حسن خان باور توپخانه مبارک که از قدیمی خدمت
این دولت قوی کنت علیه است و اغلب اوقات مصد
خدمات گردیده لهذا نظر بطرف خدمات و شایستگی او
اعلیحضرت پادشاهی در ماه گذشته شایر را

عالیجناب عتیقه الخواصین العظام حیدر علیخان سرهنگ چون از
بد و جوانی چه در سفرهاست و چه در سفر خراسان خدمت
نمایان کرده و لوازم جان شایر بر ابعول آورده اولیای دولت
قاهره حب الامرت ایون او را بمصبوب علیل نیابت اول

۱۲۷۳

اچو دان باشی مرفراز نموده حکم نظامی در ازار آن صاحب
و مقرر داشتند که با در بایجان رفته بخدمات نظامی
استعمال در روز

چون در شب عمید مولود سعید و جانین که عالیجاه اسد اللہ خان
سرنسک قورخان مبارک که سبب تبارکی بچسور است
جانین آورده بود در نظر مبارک خوب جلوه نمود و کلام
ایک قورچیان قورخان توپ باربط و اطلاع از تبارکی
میباشند جناب جلالت آب افخم اکرم صدر اعظم مقرر فرمود
که پیش بازی بعد ازین تمامی توسط قورخانچیان قورخان
توپ ساخته شده بچسور مبارک بیاورند که در نظر
افدس جانین خوب جلوه نماید

سایر ولایات

عربستان از قزاقیکه در روزگار این ولایت نوشته اند
چون سابقا قزاق اعراب آنجا بر این بوده است که بر کس
زنی میکرده است در محضری از علماء و ائمه می بسته و بد
نوشته و قبایله بجان خود چیده است و درین اوقات
شخصی قصاب از ساکنین محشره و خیر برادرش یکی از
عالمای آنجا که چند ان سوادند داشته و اجرائی صمیمه نوشت
بکنه عقد بسته بعد از آنکه بجان خود برده معلوم شده بود
که بیج مشرعی نبوده است عالیجاه میرزا ابوالفضل بعد از آن
بر این معنی قدغن کرده است که بعد ازین جمیع عقود غیر
در محضر علمای معروف و معتبر آنجا بسته شده و قبایله
بشما و تجمعی نوشته شود و اگر بغير شرط مذکور کسی
زنی را بجان خود برده و مؤاخذه و بازخواست خود
و درین باب قدغن ایک کرده است

و دیگر نوشته اند که چون در هر ماه سنان نوکر ما مورخ
بر حسب حکم نواب مستطابش بر آید و ابوالفضل مستطابش
باید دیده شود عالیجاه میرزا ابوالفضل سنان نوکر بلوچ را
دیده و موجب آنها را داده است و چون بجهت کرانی آذوقه
در آن ولایت نوکر مرئوس بدستگشت لهند علاوه بر سنان
و جنی مسم بصیغه انعام با آنها داده است که بعبرت بگفته اند

و دیگر نوشته اند که چون اختلافی در میان سنک اوزان
آن ولایت بود که در کان داران بوزن زیاد میخوردند و
بوزن کم میفروختند نواب مستطابش بر آید و احکام الدوله
مقرر داشته اند که سنک این بوزن است عباسی که
یک تیریزی معمول است ختم هر زده بدکان داران بند
و بجان سنگها داده و مستد نمایند که بعد ازین اختلافی
در میان اوزان آنجا نباشد

و دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان در این
امور آن صفحات کمال اهتمام دارد و برادر خود شیخ عالم
نیز در خیل خدمات آنجا نموده مشارالیه نیز نهایت سعی را
در انجام خدمات محوله بخود محمول میدارد
و هم چنین در امر زراعت و رعیتی آنجا عالیجاه شیخ فارس
نهایت مراقبت را محمول میدارد و شلنوک کاری زیاد
در آنجا کرده است بطوریکه رودخانه بزرگ مخصوص آنجا که
همه ساله در شلنوک آن بمصرف میرفت امسال با اینکه آب
از سالهای دیگر زیاد تر است بمصرف شلنوک کاری
میرود و باز هم کفایت نمی کند و از اینر حسد رعایا امیدوار
بسیار دارند

دیگر نوشته اند که محمد سلطان ابابکده از سربازان فوج امراس
تبراولی فتنه فیلد و ستاده اند مشارالیه کمال حسن سلوک با انالی آنجا
و علمبرین و متردین معمول از و بقتیکه انالی بلا و بعیده که چهار تن
با آنجا می آید کمال ضمانندی از سلوک سربازان مزبور اند

دیگر از تفریق نیر اخبار حسن محمد در نوشته اند درین اوقات
کندم خرواری پنج تومان و هفت هزار و پانصد و جو خنصر واری سه
تومان و هفت هشتاد و از کندم خرواری شش تومان و هفت
هزار پانصد و نیار و سایر اخبار حسن مزبور این قرار تیسر و

دیگر نوشته اند که چون این اوقات موسم آمدن جهازات
بسطه حمره است کشتی و چهار سپار از اطراف آنجا آمد و رفت
میکنند بطوری که شط معلو از جهازات است و درین روزها
در بین عبور کشتیها بجهت شکی فضا و کثرت جهازات دو
جهاز بهم خورده و یکی از آنها میجوب شده بود عایجه
میرزا ابو الفضل و جوی از خود بجهت تیسیر حجاز مزبور داده
که او را بعیت نمایند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده والی عربستان حسب
الحکم نواب مستطاب شاهنشاه و الا بتار هشتادم اردو
در باب بستن سدناصری اهتمام زیاد نموده و درین باب
کوشش با وصف شدت کرمانی تابستان آنجا نواب امیر
خود برسد مزبور رفته و ایتام نموده تا او احسن ماه
ذی حجه سد مزبور در کمال استحکام بسته شده و بعد از بسته شدن
سد مزبور نواب امیرزاده چند نصد سرکار بجهت استحکام کا
و آنجا گذاشته خود بشوشر حاجت کرده اند

دیگر نوشته اند که یکی از زندان مشهور موسوم بسوخته
از طایفه ویناروند در استان که در آن صفحات و سمت

عربستان همیشه مشغول سرقت بود و چندی در فتنه هم دستگیر
شده و باز سزا کرده و از عمل سرقت دست بر میینداشت
در این اوقات دزد و یکی بده دزد فول اسبی سرقت کرده بود
اهل قریه خبردار شده و از تعاقب دستگیر کرده دزد فول
آورده بودند بعد از چند روز متعذر شد که حسب احکم
نواب امیرزاده بشوشر بر بند و درین راه سی نفر سوار
آمده بودند که او را از دست مستخفین کپی زدند و استه بوده مستخفین
کمال جلا و ترا بعل آوده با سپیکه چند نفر سوار بشوشر بوده اند با سی
سوار زود و خورده کرده و در مزبور از دست نداده بشوشر آورده

والان را آنجا محبوس است

دیگر نوشته اند که در شوشر و دزد فول نیز امسال غله و سایر کوا
کرانت و فقرا و ضعفا ازین مرحله عسرت و پریشانی صلت

دیگر نوشته اند که فوج پات زرند باو بجمعی عالیجاه محمد مراد خان شری
که دو سالست با خلوی عربستان نامورند در این اوقات بدست
ان فوج مزبور در قلعه دژ محمد علیجان بختیاری یکدسته در بلده دژ فول
ساخوند و مابقی در شوشر در کمال نظم مشغول خدمات محوله بنجده هستند
و انالی آنجا کمال ضماندیر از آنها دارند

در ضمن روزنامه عربستان نوشته اند که ملا غلام حسین باکر تیسری نوشته
بن هشت ساله انتم ما سید پدر خود مشق ما کیری میکرده است ما
بزرگ کیر گرفته و سده ما را بدین خود برده بود و تقدیر سه چهار بخش
کرده بود ما زور آورده بگویی و نصد و رفته بود خواسته بود بیرون پاد
شواسته بود درین بین پادشش رسیده و کشف بود بکنار نصد و برو من
علاجش را میکم آن طفل هم مار را زود در پذیرش و انالی با و داده بود خورده بود
بعد از دوروز ما از موضع سفلی او بیرون آمده و با طفل اسپسی ترسیده است

فارس

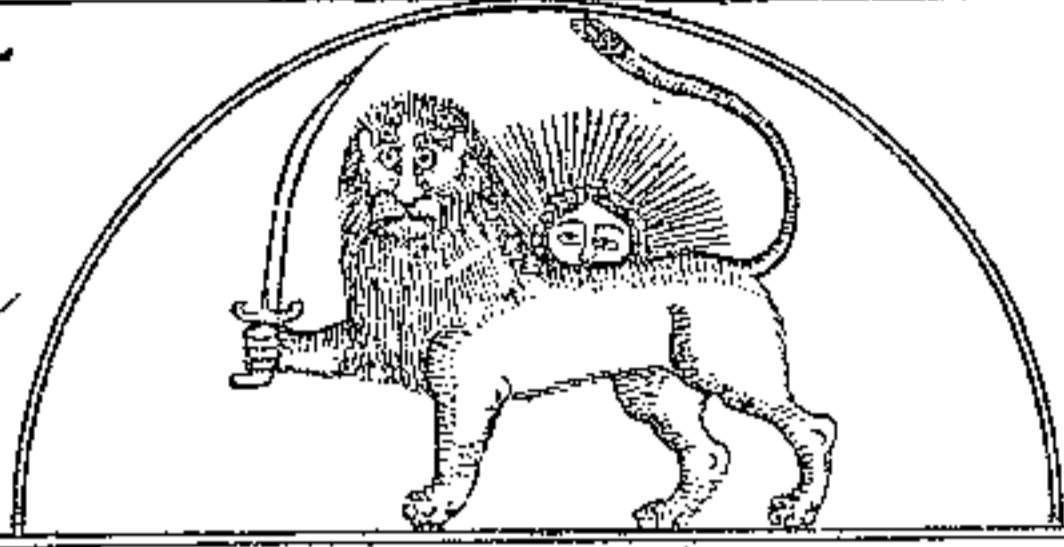
۱۲۷۵

از این نوشته اند که چون فوج عرب با صحرای سابقا در خدمت
 تسخیر بندر عباس خدمت کرده بودند و در شانی که نوبت
 شاهزاده مویده الدوله آنها را مامور ساختن آنجا کرده بودند
 بجهت اینکه از اهل سرحدات بودند و طاعت کرامی آنجا را
 خود سربل اذن مرخصی از آنجا آمده بودند درین اوقات
 نواب معزی الیه صاحب منصبان و بعضی از سربازان
 فوج مرپور را بمعرض مواخذه و تنبیه در آورده اند بعد از
 شفا اینکجه و بعد تا فی قصیرات خود را کرده اند نواب
 معزی الیه هم قصیرات آنها را بخشیده و حسب تعهد
 استغای خود در دوباره آنها را مویده رعایت نموده
 دیگر نوشته اند که عالیجاه قاسم خان که مامور سابقا
 بندر ابوشهر میباشد بعد از سیزدهم محرم که کارهای خود
 در شیراز انجام داده بود از نواب شاهزاده مویده الدوله
 مرخص گردیده یکصد و پنجاه و قرقورخانه حمل نموده روانه بندر
 ابوشهر گردیده است
 دیگر نوشته اند که یکصد و پنجاه نفر قوچی که از دربارها
 مامور سابقا فارس بودند در ماه محرم وارد شیراز شدند
 و نواب مویده الدوله کمال نوازش با آنها نموده است
 دیگر نوشته اند که در بیستم ماه محرم مقرب انخاقان
 ابوالحسن خان شیرالدوله بر حسب حکم نواب استطالب
 والا تبار مویده الدوله در دفترخانه آنجا نشسته روزنامه
 مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات فارس است
 دیگر نوشته اند که شخصی از تنگستان عبور برپس بسا میکرد
 شخصی تنگستانی با او رفیق راه شده نتوانی سیراه آن شخص
 تنگستانی او را در راه معقول و سخاوته او را بر داشته برده است

نواب بعضی نواب مویده الدوله رسیده حکم نمودند با فرح
 تنگستانی را گرفته بقراول انداختند تا اینکه مرکب قتل
 سرفت را بدست برد
 کردستان
 از قراول که در روزنامه کردستان نوشته اند کمال
 وفاداری در انولایت حاصل است و مقرب انخاقان
 والی در انتظام امر انولایت و حصول رفاه حال رعیت
 نهایت اهتمام را دارد و همچنین در وصول و ایصال
 مایات اتمامی کامل وارد
 کجاوند
 از قراول که در روزنامه نماند نوشته بودند حکم سلیمان
 بودی که هشتاد و سه سال متجاوز از عمرش گذشته بود
 متوالی جناب ختمی تاج صهرار در عالم رویا دیده بود که او را
 تکلیف با سلام فرمودند شب سیم کلمه طیبه را جاری نمود
 صبح پیش جناب آقا سید عبدالمجید رفته شرف سلام
 مشرف شده و عیال و اطفاش را از خود دور نموده عیال
 غلامعلی خان نایب تقی باشی و نایب الحکوم نهادند و عیال
 میرزا حسن لوزی پیشکار نهادند اخراجات از برای او قرار
 داده اند و خانه خارج از محله بودیها برای او گرفته کمال نوازش
 با او نموده اند و این اوقات مشایخیه هر روزه نزد علما
 دین مبین حاضر شده مشغول امر حقن توابعه شرعیات
 و اطلاع از مذنب شریعت است

روزنامه قایح انقاییه تاریخ نهم ششمه ماه ربیع الاول مطابق سال باسنه ۱۲۷۱

نمره دولیت
قیمت روزنامه
یک نسخه شهر یک
هفتان و چهار هزار



منظومه و اخبار طهران
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر هر روز
بسیار با هر سطر یک

اخبار واحه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه ششم این ماه سرکار علیحضرت شاهنشاهی
ساعت بزوب آفتاب مانده بطرف اکبر آباد سمت
میدان آب دوانی تشریف فرماید از افواج قاهره که در
انجا بجهت شیلک و حرکات جنگ رتیب داده بودند
پس از اجرای سلام نظامی مشغول حرکات نظامی و شیلک
شده بعد از مراجعت سر بازان مخبران از صف جنگ افواج
قاهره که در حالت تشوان بودند بحالت پیش رفته
قطعه مخرف بسبب مشغول شیلک شده بعد از اتمام شیلک
دوازده عراده توپ که بجهت تیر اندازی در یک صف
داده بودند سرکار علیحضرت شاهنشاهی بسرتوپخانه
فرماده حکم تیر اندازی فرموده و سر توپخانه علیحضرت
پادشاهی بقراول رفته نشانه راز و در آن جن جناب
جلالت آفتاب شرف امجد صدر اعظم پیشکش شایسته
سبارک آورده و بعد خود جناب معظّم هم حسب الامر
یک تیر توپ بقراول رفته نشانه راز و از دست مبارک
انعام شایسته گرفتند و از شاهزادگان عظام نواب و الامرا

و نواب و الاحسنه الدوله در میدان حاضر بودند و آنجا
حسب الامر هر یک چند تیر توپ انداختند و امیر الامرا
سردار کل تیر یک تیر توپ قراول رفته بیدق نشانه توپ
رازه از دست مبارک انعام گرفتند و بعد از اتمام تیر اندازی
انعام ملوکانه در حق توپچیان و مستلین علم توپخانه هم
و بنکام مراجعت علیحضرت شاهنشاهی بسرتوپخانه
بهدر معظّم علم بند سر در پهلوی مرئیخانه دولتی حسب الامر
دولت علیه میاز و تشریف فرماید جناب جلالت
شرف امجد صدر اعظم پیاپی شده بدقت ملاحظه بنده
آن نموده در حضور مبارک زیاده تحسین و توصیف
مشاریه نموده تا کید زیاد در تمام آن نمود
چون چندی بود در حسب امر سرکار علیحضرت شاهنشاهی جناب
جلالت آفتاب شرف امجد صدر اعظم انجم و سایر اول
دولت اوقات مصروف داشته تا کردن مدرسه دارالفنون
بعض امتحان آورده مراتب استعداد و قابلیت و ترقی
معلوم نمودند که بانه از ترقی و استعداد با صافه واجب
اعطای نشان سرافراز آید و مقرر شد که معین آنها مجاز

۱۲۷۷

میرزا آقاي میر فتح میرزا یوسف مبارک و القوم

العام شهر چهارم سال ۱۲۷۹ قیام

و بعد از آن معرب انجاقان محمد خان تیرچی نیز که مراقب در تربیت شاگردان مدرسه کرده بود با عطای یکموسک طسوس
ترنبار که سرفراز گردیده و عالیجاه رضا علیخان ناظم دارا
هم بخلعت مجایون مخلص گردیده بعد از فراغت ازین امور علیحضرت
پادشاهی بهارستان طغائی معاودت فرمود

چون سرکار علیحضرت شاهنشاهی مقرر فرمودند که مظهر
حضرت امامزاده عبد العظیم راجه تعمیر نموده و طلا گردند بر
بازدید ساختن طلای انجاق چند نفر اولیای دولت علیما
فرمودند از جمله استاد جعفر معمار کاشی بود که برای رسیدن
ارتفاع کعبه مسوره در سرچوب بست رفته بود که ارتفاع
چوب بست از زمین فریبیده فرغ شد از انجاق سحر خوب
که در زیر پای او بود شکسته شمار الیه بفرسب بر زمین افتاد
لکن از باطن انحضرت واجداد او با اینکه با انجاقی که افتاد
بسیار سخت بود و کلام درم خیال کردند که یکجا خوردند
مطلقا و اصل اسب و اذیتی با و ز رسید و بعد بعد کمال

سلامتی برخواست

سایر ولایات

بره جرد از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته
چون بهر سال در وسط عرشب موسم بارندگی بود و امسال
تا حال باران با ولایت نیامده است زارعین و اهالی
قدری تشویش داشتند اما امیدوار بودند که تا آخر عرشب
بارانی بیارد که تفاوت در تسعیر جنبش انجاق بهم برسد

دیگر نوشته اند که در جست و دویم ماه صفر قرار بود که
مستطاب شایسته هزاره والا بتار احتشام الله ولد خان میرزا
از سنان و عربستان حرکت فرمائید تا اب الیدرم میرزا
نواب معزنی الیه نوشته بودند که برای مسیورسات عرض
جو نمیرشد زیرا که امسال در لرستان جو هیچ بلبل نیامده
نواب احتشام الله ولد قدغن نمودند که مباحثین و یوانی بر
بقدر یکصد حروار جو برای مسیورسات حمل سحرم آباد
که از انجاق نواب الیدرم میرزا حمل منازل عرض راه یا

دیگر نوشته اند که سی و پنج نفر توپچی که از پارسال با
بر و جرد بودند عرض آنها سی و نه نفر از توپچیان کتوسی و
اوزر با یحیانی درین اوقات وارد شده اند و نواب شایسته
والا بتار احتشام الله ولد بجهت اسمعیل بیک غلام شیخ مست
ما در رساندن مواجب او که انجاست حکم نمودند که در اطراف
میدان نشسته سان توپچیان پارسال و امسال دیده
مواجب شایسته آنها را حسب حکم هر یک هر یک نقد داد
طهارت با بهره دریافت کرده اند

عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند در هنگام
خفتر بزرگ بجهت بن صد ناصری سنک سفید شفاف و بر
از زمین پیدا شد و ورق و ورق می مثل طلوع در جوف آن
سنک سفید دانه کوچک بود مثل سلیمانی بیرون آوردند
و بسیار خوش ترکیب بوده و نازکی داشته
دیگر نوشته اند یک عراده توپ بلند قد که دو ذرع و چهار
قدوار از قدیم در حوزة افتاده بود بدون عراده درین وقت
پاشا خان یاور توپخانه که در کاب نواب امیرزاده بستر

سد ناصری رفته بود توپ مزبور را دیده بود چون بسیار
خوش ترکیب و بی عیب بود توپ مزبور را با غلطک از
حویزه بشوشت آورده و هم چنین یک توپ جلوه که در
وز قول بوده است بشوشت آورده نواب امیرزاده آدم
فرستاده اند از نجیبیاری چوب قذاق و عراوه آورد
مستول سوار کردن توپهای مزبور هستند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده والی عربستان
در میدان کنار آب شوشتر قراشش جنگ داوود میر
صحران خان مرتیب با فوج نظام بسته و پاشا خان
توپخانه با توپچیان ابوجهن خود بنای شلیک توپ و
تنگ بقاعده نظام گذاشته بسیار بقاعده و خوب
و چابک شش و شلیک کرده اند و جمیع اهل شهر که تماشا
آمده بودند بسیار تعریف و توفیق صفت کرده اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان که از جانب
نواب سطلب شاهزاده و الا تبار احتشام الدوله نامور
منظم صفحات سرحد محسره و آن اطراف است در انجام
خدمات دیوانی نهایت اهتمام را معمول داشته است از جمله
در سمت راهبر که مشارالیه اتهام ریاد نمود و شلوک کار
و اوان بر او انداخته است بر ساله ظایفه مشهور و رهنه دست
با اموال رعایای آنجا میزدند امسال نتوانسته اند حرکتی
از اول سال تا حال بکنند و در مقام دست اندازی
برآمده در جرد فکله کوسفندی بغارت برده بودند عالیجاه
شیخ فارس خان در هر دو دفعه جمعیت فرستاده آنها
مخلوب و کوفته را استرداد و چند نفر از اشرار مقتول
و زخمی کرده و دیگر بعد از آن جرئت هرگز نکرده اند

امورات سمت راهبرند در نهایت انتظام و رعایای آنجا
اصول مستول زراعت و فلاحت می باشند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب
شاهزاده و الا تبار میوند الدوله بعد از آنکه مقرب انخاقان
عبدالله خان صابرم الدوله را با توپخانه و افواج و قورخانه
و تدارکات لازم روانه بندر عباس کرده بودند نواب
عبدالباقی میرزا پسر خود را نیز با فوج عرب و استعداد کامل
روانہ آنجا کرده اند

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده میوند الدوله میرزا سلطان
بهائی را به حساب او خواسته بودند حسب حکم حجاب
او رسیدگی شده چون مبالغی مال دیوان در نزد مشایخ
باقی بود نواب معزی این حکم کرده اند او را بر اول اند

دیگر نوشته اند در شب بیستم محرم در بندر ابوشهر
زلزله شدیدی واقع شده بود اما خبری بجائی و ادیبی نداشتند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیر الامرا
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در دویم ماه صفر از شهر کرمان
روانہ یزد سیر شده و بجز در آنجا توقف کرده و مقرب انخاقان
میرنجه را با قشون و استعداد بر حسب حکم اولیای دولت
علیه روانه طرف بندر عباس نموده اند و در راه انداختن
قشون کمال اهتمام کرده اند و بهر یک از بلوکات مسهم آدم
و ستاده تفکیکی اجبار کرده اند که رفته بقشون نامور بندر
لمحقق شوند

خراسان

چون نواب مستطاب شاهنورد افتم والا بتار فرزند
 فرمانفرمای مملکت خراسان بجا فرستاد از نظم امور
 بطرف انو و عشق آباد و آخال و اشخود و تشریف برده بودند
 که در آنصفت نیز نظم کامل بدین طوائف ضالک ترکگان
 جنر تشریف بردن نواب مغزی الیه را شبده
 بو حشت و اضطراب افتاده در اول کجیال مخالفت
 اجتماعی نموده سر خود سری داشتند و زور و نواب
 شاهنورد و عشق آباد که اول خاک اکت است سوار
 ترکگان نمودار شده قریب کیامت تا پن ترکگان و عیال
 امیرخان سر تپ سواره قوررت پیکو که پیش قرادل بود
 و با جواد خان سر کرده سواره شقای خنک و جدال اتفاق
 می افتد هفت هشت نیزه سر و چند نفر اسیر کرده ترکگان
 گرفته میشود تاب مقاومت نیارده شکرار مینمایند و
 نواب شاهنورد و نیرب اتوب و سواره و پیاده ابراهیم
 رسیده در عشق آباد توقف مینمایند و فرود ابر طرف
 از اطراف اکت که محل سکنا می ترکگان اکت نشین است
 میفرستند احدی از آنها و ترمه کمانینه یافت نمیشود که کلاسه
 نموده بودند نواب مغزی الیه حکم میکند جمع قلعه جات
 اکت را که شش قبضه بوده است خراب کرده با آذوقه و سوار
 در آنجا داشته اند آتش نمیزند و بعد از چند روز در
 مینمایند و بسیار ایستادند که بعد ازین چشم زخم دیگر
 صنایع خراسان از ساخت و ساز طایفه ضالک ترکگان
 و محفوظ دارد و در ازای این نوع استقامت که از نواب شاهنورد
 در حفظ مملکت و صنایع آخال و سگشت ترکگان بطور

رسیده در خاچکای مبارک زیاد مستحسن و مقبول افتاده بود
 محسن و فور محنت طوکانه و دحق نواب مغزی الیه یکیشوب
 و بتامی ترمه از طبوس بس در مبارک بضمیمه یک قبضه کار و
 دست مرصع کلل با لباس از جانب سنی الجوانب علیحضرت
 پادشاهی با شکار نواب شاهنورد و محنت و عنایت
 کردید و در حق سایر سرگردگان و صاحب مضامین که
 در سفر همراه نواب مغزی الیه بوده خدمت کرده اند و آثار
 رشادت بطور رساینده اند و نواب مغزی الیه مراتب
 خدمتگذاری هر یک را مفصلاً و مشروحاً با اولیای دولت
 علیه اطهار داشته بودند ازین فتور خلعت و نشان
 شده بصحابت عالیجاه علی محمد پیک یا و در سال شد

سزاوار است که در این مرتبه محمد عثمان سر تپ فراتانی
 در این مرتبه در این مرتبه در این مرتبه

بیتوب پیک یاور حسینعلی پیک یاور باقر پیک یاور
 و بعد از سایرین نیز از جانب اولیای دولت علیه بوشیجات
 و احکام مثل بر اظهار الشان صاه بر شد و بصحابت عالیجاه
 علی محمد پیک یاور ارسال کردید که از شمول التیفات
 اولیای دولت علیه امیدواری کامل حاصل نمایند

شروین

از فترت که در روزنامه قزوین نوشته بودند امرنگار
 از استقامت اولیای دولت علیه و نواب شاهنورد
 سینا است میرزا کمال نظم دارد و بجهت انالی اینجاست استوار
 و استقامت حاصلست و نواب مغزی الیه در نظام ولایت

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امثال در وجه عاشورا
 مقرب الخاقان و القهارخان در مراسم تفریه داری جناب سید الشهدا
 لوازم اهتمامات را معمول داشته هر سال پنجاه تومان در یکصد دار الشفا
 که قرب جوار حضرت معصومه علیها السلام است بجهت تخریج از
 دیوان اعلی داده میشود امسال مشارالیه بجهت از دیار عاکونی زیاده
 از یکصد پنجاه تومان ای اطعام فقرا و سادات و عمره خرج یکصد پنجاه
 دیگر در باب حوض سلطان چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده است
 عالیجاه مشارالیه حسب الامر انسانی دولت علیه اهتمامی کامل نموده است
 و آب در آنجا پسار فراوان گردیده است و مخرکه با آنجا جاریست
 و گنینه سه فرسخ مسافت دارد بنا و عمله و اسباب فرستاده هم در باب
 اجر و پاک در کمال استحکام ساخته اند که هر قدر آب که از دهنه فست
 مزبور بیرون می آید بدون کسر و نقصان بچوض مزبور میرسد چون در
 سنوات سابق بجهت خرابی نهر مزبور آب درست بچوض نمیرسید بجهت
 پر کردن حوض محتاج بآب باران بودند و لکن حالا اگر چه سلطان می
 متعدد بجهت جمع کردن آب باران نیز ساخته اند اما آب فست مزبور
 بطوری بچوض سلطان میرسد که احتیاج بآب باران نخواهد بود
 غابرین و نردوین زمین مرحله کمال شکر گذاری دارند
 دیگر نوشته اند که در باب کشیک خدمت آستانه منوره حضرت
 معصومه مقرب الخاقان و القهارخان مسترارهای رست داده است
 از جمله سابقا بجهت بی مبالائی خدمه جمع فروش و واق و حرم از
 از کثرت شمع که در وقت سوختن آب میشد و میرخت و متوجه نمیشد
 هر کس بیارت میرفت رخوت او چرب و چرکین میشد درین باب
 قدغن اکید کرده است که شمعها یکدر آنجا سوخته میشود شمع مومی باشد
 و از خدمت نیز الترام گرفته است که در سر خدمت و کشیک خود حاضر بوده

در پاکیزه و سبب داشتن فروش اگر غفلت نمایند مورد
 مواخذه باشند
 دیگر در روز عید مولود مسعود اعلی حضرت پادشاهی نوشته اند
 که تا سه روز و سه شب اسباب عیش و سرور و چراغانی
 فراهم آورده و کاکین و بازار مارا این بسته و لوازم توقیر و
 احترام عید سعید مولود و همایون را بعمل آورده اند
 دیگر نوشته اند که خلعت آفتاب خلعت همایون پادشاهی که با شکار
 مقرب الخاقان و القهارخان در از خدمات او که در باب آب حوض
 سلطان و سایر خدمات دیوانی بعمل آورده است مرحمت شده بود
 در این اوقات که بر تو و وصول افکنده مقرب الخاقان مشار
 با جمیع اعیان و اشراف قم باستقبال خلعت آفتاب خلعت
 شتافته و در خارج شهر خلعت همایون را زین برود و در
 معاشرت نموده و بعد بشهر آمده و در آنجا کور صرف شربت
 و شیرینی نموده و لوازم توقیر و احترام خلعت همایون را عمل آورده است
 دیگر نوشته اند که در این اوقات سرقت و دزدی نسبت
 بسابق در قم بسیار کم اتفاق می افتد و اگر ارجانان در دست
 اتفاق نیفتد مقرب الخاقان مشارالیه اهتمامی درین باب
 کرده است که سارق پیدا شده و مال مسروق بصاحبش
 میرسد از خیمه ضعیفه فرغانی در بازار جنس بزازی خریده
 و تنخواه آنرا داده و بقیه پول از خاطرش رفته بجا که است
 بعد از فستن ضعیفه بزاز طنقت کیده شده و رسیدگی کرده بود
 پنج تومان پول ریانشس بوده است بزوار و خد برده بود
 داروغه جابچی انداخته ضعیفه را پیدا کرده و سخواه او را تسلیم کرده
 دیگر شخصی باس فش از درب کان هلاقه بندی پنجره جراب برداشته بود
 که رفته بزوار مقرب الخاقان و القهارخان رده ربهار بصاحبش تسلیم سوار تپه بضمیمه نموده بودند

۱۲۸۲